پیروزی چپ نو در انتخابات رئیس جمهوری برزیل

ادامه از صفحه ۱۲

مارکسیستی (یا گاه به هنجار مسیحی) علاقمندند.

۸ - نسایندگان پرآمد، از جناح چپ جنبش دمکراتیک برزیل، حزب اپوزیسیون رژیم نظامی.

در مقیاس معینی می‌توان تائید کرد که ایجاد حزب زحمتکشان تلاقی تاریخی طبقه (زحمتکشان) و روشنفکران (آن) بوده است، دو نیروی اجتماعی که تاتشکیل این حزب راه‌های موازی گاه، همگرا و غالبا بسیار متفاوتی را پیموده‌اند.

روند شکل‌بندی حزب زحمتکشان برخی مشخصه‌های کاملا خاص برزیل را نمایش می‌دهد و در لحظه تاریخی حاضر وظیفه مهم همبودهای پایه را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، به نمونه برداشت‌هایی برمی‌خوریم که به نظر می‌رسد، مستقیما از برخی متن‌های «کلاسیک» مارکس استخراج شده، است؛ طبق آن: چنبش کارگری در مراکز صنعتی متمرکز مدرن بزرگ پدیدار می‌گردد. سندیکالیسم در جریان مبارزات اقتصادی خود ضرورت حزب سیاسی زحمتکشان، حزبی راکشف می‌کند که گرد آورنده، متنوع‌ترین قشرهای اجتماعی مردم زیر هژمونی طبقه کارگر است.

تنوع منبع‌هایی که حزب زحمتکشان از آن بوجود آمد در تنوع بنیانگذاران آن نمودار است. از میان آن‌ها می‌توان این نامداران را نام برد: لوئیز ایناسیو داسیلوا، «لولا»، رئیس سندیکایی فلزگداران ساتورنارد و اولیویو دوتسا رئیس سندیکای زحمتکشان بانک‌های پورتو آلگر؛ آپولونیو دوکاروالهو رهبر پیشین حزب کمونیست و مبارز بریگادهای بین‌المللی در اسپانیا و مقاومت فرانسه (او آزادی چندین شهر جنوب فرانسه را در ۱۹۴۴ رهبری کرده است). مبارزه پدرو اوستا بنیانگذار اپوزیسیون چپ (تروتسکیست)که در آغاز دهه ۳۰ جبهه متحد ضدفاشیستی ۱۹۴۳ را بوجود آورد (این جبهه سالوپولو را از چنگ انتگرالیست‌ها نجات داد. انتگرالیست عنوان فاشیسم برزیلی است). او بنیانگذار چهارمین انترناسیونال (۱۹۳۸) و سپس انترناسیونال سوسیالیستی با الهام از اندیشه‌ها رولوگزامبورگ نیز بوده است. فرانسیسکو فقورت جامعه‌شناس، استاد دانشگاه سالوپولو، نویسنده آثار برجسته تاریخ جنبش کارگری برزیل؛ خوزه دیرسو و ولادیمیر پالمیرا رهبران جنبش دانشجویی ۱۹۶۸ (پیتریت در سالوپولو و ریو)که بعد در جنبش «چپ مسلح» شرکت فعال داشتند.

این تنوع در خصلت‌گرای حزب زحمتکشان مستعکس است که در صنف خود گرایش‌ها و جریان‌های گوناگون را گرد آورد؛ است که برخی از آن‌ها با مطبوعات و مجله‌های خاص خود و غیره، بشدت ساختاری شده‌اند. بدیهی است که این گرایش‌ها منجمد باقی نمانده‌اند. آن‌ها طی پانزده سال حیات حزب زحمتکشان در گروبندی‌های متعدد شرکت داشته‌اند. از بین آن‌ها جریان‌های متعصب و آئین‌پرست منحل و یا بسیار معتدل شده‌اند. گروهی رادیکال شده، و به طرف چپ حزب گرویده‌اند. این وضعیت در تضاد با یکپارچه‌گرایی صلب و بوروکراتیک احزاب نمونه استالینی برای زندگی درونی حزب نیروی حیاتی مهمی محسوب می‌گردد. البته، این امر در جریان عمل با اصطلاک‌ها وکشمکش‌هایی روبرو بود، به طوری که برخی جریان‌ها (بیشتر فراکسیون‌ها) خود را یگانه پیشاهنگ قلمداد کرده، و حزب زحمتکشان را همچون ابزار ساده و چاچوبی می‌دانستند که منظور از آن پی‌افکندن یک حزب «راقعی» انقلابی است. با این همه، اغلب این نوع مسایل هنگام تنظیم فعالیت جریان‌های درونی حزب در ۱۹۹۰ به بهای جدایی از یک یا دو گروه، بسیار متعصب طی و فصل شدند. در مجموع، این تنوع عامل پراکندگی و تضعیف حزب نیست، بلکه بیشتر منبع غنی شدن آن و درس‌آموزی‌ها مشترک است.

یکی از ویژگی‌های حزب زحمتکشان رابطه تنگاتنگ آن با رادیکال‌ترین بخش‌های «توده» مسیحی است. لازم به یادآوری است که برزیل یک کشور آمریکای لاتین است که در آن دین‌شناسی رهایی بخش نفوذ بسیار زیادی دارد و جنبش انجمن‌های پایه کلیسایی در آن چنان گسترده است که میلیون‌ها مسیحی (مخصوصا از میان تهیدستان) در شهرها و روستاها پیرامون آن گرد آمده‌اند.

از این رو، بخش مهمی از مبارزان بسیار فعال و متعهد انجمن‌های پایه کلیسایی وکانون‌های توده‌ای (کانون کارگری، روستایی، شهری) به طور طبیعی در صفوف حزب زحمتکشان حضور دارند. یکی از انگیزندگان اصلی انجمن‌های پایه کلیسایی فرای پتتو است که مدت پنج سال در دوره دیکتاتوری نظامی زندانی بسود. او در پیوستن بسیاری از مسیحیان رادیکال به حزب زحمتکشان نقش مهمی ایفاکرده است.

در واقع، بدون وجود فرهنگ اعتراضی مسیحی که خود سازمان‌یابی پایه‌ای و خودرهایی از فقر و استثمار را می‌ستاید، احتمال کمی وجود داشت که حزب زحمتکشان بتواند شکل‌گیرد و مخصوصا با این سرعت نفوذ توده‌ای کسب کند. با این همه، حزب زحمتکشان با یک حزب اعتقادی فرق دارد و تابع سنگیری کلیسا نیست و از تکثیر بین اجتماعی کاتولیک پیروی نمی‌کند. در یک کلمه، این حزب هیچ شباهتی با دمکراسی مسیحی آمریکای لاتین ندارد.

تشکیل حزب زحمتکشان طی دو سال با چنان سرعتی صورت گرفت که اغلب گروه‌های سیاسی سوسیالیست و کمونیست را غافلگیر کرد. برخی از این گروه‌ها به این حزب پیوستند. اما بخش‌های بسیار «عقب‌ماند» چپ مانند احزاب کمونیست طرفدار شوروی و آلبانی برای حفظ تشکیلات استالینی خود ترجیح دادند در صفوف «جنبش دمکراتیک برزیل»، حزب لیبرال اپوزیسیون باقی بمانند.

از ۱۹۷۸، سالی که اعتصاب‌های بزرگ کارگران فلزگداز سائوپولو و حومه آن روبداد بخش پیشرفته هسته سندیکالیسم (که برخی جامعه‌شناسان شتابزده آن را «صنف‌گرای، رفورمیسی» و نمونه «آمریکایی» پروراند؛ «اشرافیت‌کارگری» توصیف کردند) به ابراز وجود پرداخت. رهبران متعدد سندیکاهای «راقعی» با بررسی تجربه اعتصاب، اندیشه ایجاد یک حزب مستقل زحمتکشان را برای رویارویی با دستگاه پلیسی - نظامی برانگیختند. برای برخی‌ها این نخستین تمرانامه مبارزه‌های اجتماعی در تاریخ تازه‌کشور (از ۱۹۶۴) بشمار می‌رود. مثلا در دسامبر ۱۹۷۸، هنگام «دیدار برای دمکراسی» که ایپوزیسیون لیبرال و چپ ریسودوژانیرو از آن حمایت کردند، لوئیس ایناسیو داسیلوا، «لولا» تز حاکم بر این دیدار را رد کرد. دیگر رهبران سندیکای حاضر در این دیدار او پشتیبانی کردند. این تز خواستار تشکیل «جبهه وسیع دمکراتیک» برای مقابله با رژیم نظامی گرداگرد حزب دمکراتیک برزیل بود. او دربارهٔ سیاست سنتی دنباله‌روی جنبش کارگری به عنوان نقطه ضعف آن به تجربه موجود از ۱۹۶۴ اشاره کرد و تاکید نمود: «اگر ما زحمتکشان نسبت به یگانگی نیروهای ایپوزیسیون هشیار نباشیم، باز دچار شکست‌هایی چون شکست ۱۹۶۴ خواهیم شد که در جریان آن بورژوازی پیوندش را با زحمتکشان گسست و با پشتکر دن به آن‌ها باعث سقوط و فلاکت آن‌ها گردید». «لولا» بدون انکار ضرورت اتحاد همه نیروها در برابر رژیم نظامی بر اهمیت سیاست مستقل کارگری درنگ نمود و افزود: «طبقه کارگر راه بسی‌برگشت خود را برای پیروزی هدف‌هایش دنبال خواهد کرد. او دیر یا زود حزب سیاسی‌اش را بنیان خواه نهاد... طبقه کاگر و زحمتکشان نباید لبزاری در دست دیگران باشند. این نکته چنبه اساسی دارد که زحمتکشان بالبراز نیرویی که آن را نمایندگی می‌کنند، مستقیما در عرصه سیاسی شرکت داشته باشند. شرکت در عرصه سیاسی ایجاب می‌کند که این طبقه حزب خود را بنیان گذارد. (انشریه ام تمبو شماره ۴۲، ۲۳ دسامبر ۱۹۷۸).

در اکتبر ۱۹۷۸ نخستین دیدار ملی حزب زحمتکشان در سائوپولو در دوکامپو دژ کارگری سندیکی لولا عملی گردید. در این دیدار بنیان نهادن حزب جدید و انتخاب اولین رهبری صورت انجام گرفت. یک اعلامیه کوتاه سیاسی در این کنفرانس به تصویب رسیدکه به روشنی هدف حزب زحمتکشان را ترسیم می‌کند. اعلامیه بیان می‌دارد: «حزب زحمتکشان به خاطر این‌که تمام قدرت اقتصادی و سیاسی مستقیما توسط زحمتکشان اعمال گردد، مبارزه می‌کند. این یگانه وسیله برای پایان دادن به ستم و استثمار است». سند همزمان «همه نیروهای دمکراتیک را برای ایجاد جبهه وسیع توده‌ای علیه رژیم دیکتاتوری» فرامی‌خواند. حزب زحمتکشان مبارزه برای تشکیل مرکز واحد زحمتکشان را خدف قرار داده است» و بر این نکته تاکید دارد که «لازمه تشکیل این مرکز درهم ریختن ساختارکنونی سندیکایی تابع دولت است».

در آوریل - مه ۱۹۸۰ اعتصاب بسزرگ ۲۵۰۰۰۰ زحمتکشان فلزگداز سائوبرناردو بوقوع پیوست. در پی مداخله پلیسی و نظامی - توصیف پولا و دیگر رهبران برجسته و مداخله نظامی در سندیکا - جنبش متوقف شد. اما به درازاکشیدن اعتصاب در طی مدت استثنایی ۴۲ روز و ظرفیت سازماندهی توده‌ها (برگزاری میتینگ‌های ده‌ها هزار نفری روزانه زحمتکشان) قدرت شگفت‌انگیز سندیکالیسم جدید را که پیشاهنگ آن جزو تشکیلات حزب زحمتکشان بود، به طرز نمایانی به نمایش گذاشت.

در مه - ژوئن همین سال کنفرانس جدید ملی حزب زحمتکشان با حضور نمایندگان ۲۲ ایالت برزیل به نمایندگی از ۳۰ هزار عضو حزب برگزار شد. یک بیانیه و یک برنامه که حزب زحمتکشان را به عنوان «مظهر سیاسی واقعی همه استثمارشوندگان سیستم سرمایه‌داری» و به عنوان حزب توده‌ها، وسیع، باز و دمکراتیک معرفی می‌نماید، به تصویب رسید. اعلام گردید که هدف حزب از کارانداختن ماشین سرکوبی رژیم موجود و ایجد «یک قدرت جانشین به سود زحمتکشان و ستمدیدگان در راستای بنیان نهادن جامعه‌ای فارغ از استثمارکنندگان و استثمارشوندگان است. بدیهی است که زحمتکشان در ساختمان این جامعه بسدین امر آگاهی دارندکه این مبارزه علیه منافع «سرمایه بزرگ ملی و بین‌المللی» هدایت می‌شود. با این همه، حزب زحمتکشان هنوز با داشتن یک «تکثرن» مدون فاصله دارد. از این رو، بسیاری از مسایل و تعریف‌های برنامه‌ای برای انجام یک بحث وسیع و «پختگی» تدریجی مجموع مبارزان باز گذاشته شد.

این امر مخصوصا در قلمرو بین‌المللی بسیار با اهمیت بود؛ چنان‌که تصویب برخی موضع‌گیری‌ها آن را به روشنی نمایان می‌سازد: اعلام همبستگی با انقلاب ساندینیستی در نیکاراگوئه و همبستگی با مبارزه زحمتکشان لهستان برای برقرار آزادی‌های سندیکایی از آن جمله ست. رزمندگان و رهبران حزب زحمتکشان با جدیت از تکرار تراژدی اشتباه چپ استالینی سابق برزیل می‌پرهیزند و از این رو از هر نوع دنباله‌روی از این یا آن دولت «سوسیالیستی موجود» رو برتافتند.

اندیشه اساسی، قطعی و عمده‌ای که در تشکیلات حزب زحمتکشان نقش اساسی ایفامی‌کند و برای سنگیری سیاسی آن به مثابه قطب‌نما محسوب می‌گردد، همانا اندیشه مارکس در برنامه گرد هم‌آیی بین‌المللی زحمتکشان است که می‌گوید: رهایی زحمتکشان کار خود زحمتکشان است.

درکنفرانس ملی سپتامبر ۱۹۸۱ یعنی در مرحله نهایی تشکیل قانونی حزب (که در شرایط فوق‌العاده دشوار «قانون جدید حزب» توسط رژیم نظامی رو به زوال)، حزب زحمتکشان آشکارا سوسیالیسم را به عنوان برنامه نهایی خود اعلام داشت. لولا در گفتگوها و مصاحبه‌های مختلف با طرح راه دیگری برای انقلاب و سوسیالیسم در برزیل مخالفت کرد و راه سوسیال‌دمکراسی و سوسیالیسم بوروکراتیک را مردود دانست.

حزب زحمتکشان به موجب کارزار عظیم عضوگیری رشدی استثنایی نمود. در پایان ۱۹۸۲ پاسخ بر ۲۴۵ هزار نفر در سراسرکشور به عضویت این حزب درآمدند. اما نتایج انتخابات قانونگذاری ۱۹۸۲ تنها اندازه‌ای اغفال‌کننده، بود، زیرا ۳/۵ درصد آرا و فقط ۸ نماینده، نصیب آن گردید. روزنامه‌نگاران شتابکار زیر تاثیر این واقعه پایان‌کار حزب زحمتکشان را اعلام کردند. اما در عوض این حزب با تشکیل مرز واحد، زحمتکشان در ۱۹۸۳ نخستین مرکز سندیکایی توده‌ای در تاریخ جدید برزیل، متحد نیرومندی در جنبش کارگری پیداکرد.

در ۱۹۸۴، حزب زحمتکشان به طور فعال در کارزار انتخاب مستقیم رئیس جمهوری شرکت کرد و میلیون‌ها شهروند برزیلی را در یک جنبش بی‌سابقه توده‌ای بسیج کرد و عملا به رژیم نظامی پایان داد. این حزب بیافاداری به خواست‌های دمکراتیک توده مردم، انتخاب «غیرمستقیم» رئیس جمهور جدید «تانکر دونوس» از ایپوزیسیون میانه‌رو با بوسیله مجلس که راه حلی نامشروع و در نتیجه مذاکر، ایپوزیسیون لیبرال با نظامیان بود، رد نمود.

در انتخابات نوامبر ۱۹۶۸، حزب زحمتکشان درصد آرایش را دوبرابر کرد و به ۶/۵ رسانید و نفوذش را بسی فراتر از دژ سنتی‌اش سائوپولو توسعه داد. اما نخستین نفوذ مهم آن در انتخابات شهرداری‌ها در ۱۹۸۸ تامین گردیدکه در جریان آن مدیریت شهرداری‌های چندین شهر بزرگ از جمله چند پایتخت منطقه‌ای مانند پورتوالگر، و سائوپولو و چند شهر بزرگ صنعتی راکه در برزیل و آمریکای لاتین نظیر ندارند، به دست آورد. سرانجام هنگام انتخابات مستقیم رئیس جمهوری ۱۹۸۹، لولا از رقیبان چپ خود بسری زولا پوپولیست وکواس سوسیال دمکرات پیشی گرفت و در برابر کاندیدای محافظه‌کار کوللور دوملو (که از حمایت و تبلیغات شبکه تلویزیونی «گلوبو» قدرتمندترین رسانه‌کشور برخور دار بود) مقام دوم را احرازکرد. هر چند لولا انتخاب نگردید، اما پیراصون یک برنامه طبقه‌گرای و رزمنده، که سوسیالیسم را آماج خود می‌داند ۴۷درصد آرا را به دست آورد. کسب چنین رایی نه تنها در برزیل بلکه در تمام آمریکای لاتین پس از پیروزی آلنده در ۱۹۷۰ بی‌سابقه بود.

اما منظور از آماج سوسیالیستی‌کدام سوسیالیسم است؟ حزب زحمتکشان هنگام هفتمین دیدار ملی خود در ۱۹۹۰ به تصویب سندی پرداخت که پس از بحث طولانی درونی دریافت خود را از جامعه آینده، این گونه ترازبندی کرد: «سوسیالیسمی که ما می‌خواهیم آن را بناکنیم تنها در صورتی تحقق می‌یابدکه دمکراسی واقعی اقتصادی را برقرار کند. پس باید آن را پیراصون شعار مالکیت اجتماعی بر وسایل تولیدکه شکل‌های آن به طور دمکراتیک توسط جامعه گزیده، می‌شود، سازمان داد».

«این دمکراسی اقتصادی باید از منطق فساد بازار سرمایه‌داری به مثابه منطق فرمان مستبدانه دولت کمه به بسیاری اقتصادهای موسوم به «سوسیالیستی» آسیب رساند، درگذرد. ویژگی‌ها و هدف‌های آن از افراد، اجتماعی و نمه فرض‌های «منافع استراتژیک» دولت پیروی خواهد کرد».

با توجه به این‌که چپ در برزیل مانند جاهای دیگر به لحاظ تاریخی میان یک جریان ضدسرمایه‌داری اما خودکامه و یک جریان دمکراتیک اما رفرمیست تقسیم شده، نوآوری‌های حزب زحمتکشان مشخصا فرارفت از پدیل‌های نادرست موصوف است:

«تعهد ما به دمکراسی ما را رزمندگانی ضد سرمایه‌دای می‌ساز. این انتخاب عمیقا مبارزه ما را در راه دمکراسی به نمایش می‌گذارد. کشف فساد سرمایه‌داری (به طور تجربی، پیش از به تسنوری درآمدن آن برای بسیاری از ما) محرک بسیار نیرومندی برای اغلب رزمندگان حزب زحمتکشان در سازمان دادن یک حزب سیاسی است. ما تنوانی منطق پربرمنش سرمایه‌داری را در پاسخ به رنج بیهوده میلیون‌ها تن از افراد نشان داد، و نشان خواهیم داد. تجربه کارنامی مشخص ما - در آن سوی سکه «معجزه بزریلی» و بسیاری از شرایط. اسفبار ملی و بین‌المللی - به ماننان داد؛ است‌که سرمایه‌داری با همه نیروی مادیش بنابر سرشت خود ناعادلانه است و میلیون‌هاتن را به حاشیه می‌راند و با توزیع برابرانه ثروت اجتماعی مخالف است و از دمکراسی واقعی شانه خالی می‌کند».

این فرمولبندی‌که سرشار از رادیکالیسم اخلاقی به عنوان مهمترین مشخصه فرهنگ سیاسی حزب زحمتکشان است، از درآمیزی خاص تئوری مارکسیستی و حساسیت عاطفی مسیحی سرچشمه می‌گیرد: نخبگان، مطبوعات و رسانه‌های محافظه‌کار از این رادیکالیسم ناخرسندند. آن‌ها در صورتی مایلندکه به عضویت حزب زحمتکشان درآیندکه این حزب به حزبی «چون دیگر حزب‌ها»، حزب «عادی و متداول» حزب سوسیال دمکرات تبدیل شود. تالاسرور حزب زحمتکشان در برابر این فشارها مقاومت کرده است و با پایداری به حفظ و پرورش هویت «متنوع» خود ادامه دهد. در ۱۹۹۳ هنگام هشتمین دیدار ملی نیروهای حزب عمدتا صرف «گردش به چپ» گردید. گرایش جدید در رهبری جدید اتلاف میان جناح چپ موسوم به جریان «انسجام»که رهبری حزب زحمتکشان از دهه ۸۰ را در دست دارد، و جریان «دمکراسی سوسیالیستی» (نزدیک به انترناسیونالیسم چهارم ارنست مندل) است.

کوللودوسلو که در ۱۹۸۹ بر اساس کارپایه مردم‌فریب و پوپولیستی «طرد دولتمردان فاسد» انتخاب شده بود، عملا یک سیاست اقتصادی نمونه لیبرال نو را به اجرا درآورد که به طور منظم موسسه‌های عمومی را به بهای ناچیز در اختیار بخش خصوصی گذاشت. اما به سرعت ادعای این قهرمان ضد فساد با سوء استفاده‌های کلان مالی در جریان خصوصی‌سازی برملا شد. به ابتکار حزب زحمتکشان که دیگر نیروهای سیاسی با تاخیر زیاد طرح را، که موضوع تمرکز یافته بود، تولیبرالیسم و جهانی‌شدن، جنگ و صلح و حقوق بشر سومین فروم اجتماعی همچنین خواستار انحلال ناتو شد. آن‌ها می‌گویند که بر خلاف آنچه ناتو ادعا می‌کند، نقش این اتحاد نظامی دخالت و شعله‌ور ساختن جنگ‌های منطقه‌ای است. در این اجتماع بیش از ۵۰۰ هزار نفر از نقاط مختلف اروپا شرکت کردند.

دولت ایتالیا در دو هفته آخر قبل از برگزاری این اجتماع سعی کرد به بهانه حفظ نظام و جلوگیری از آشوب در شهر رنسانس مانع این اجتماع شود و تبلیغات گسترده‌ای را علیه برگزارکنندگان آن و خواست‌های آن‌ها انجام داد. این اجتماع بدون درگیری پایان یافت.

نیم میلیون نفر مخالفین جنگ و منتقدین گلوبالیزاسیون در فلورانس ایتالیا

منتقدین گلوبالیزاسیون سومین فروم اجتماعی جهانی را این بار در اروپا برگزار کردند. تاکنون دو سال این اجتماع در پورتوالجره در برزیل برگزار شده بود. این اجتماع که از ۶ تا ۱۰ نوامبر ادامه داشت، با برگزاری تظاهرات خیابانی، صدها گروه کاری و اعلامیه‌های مختلف توجه اذهان را به اثرات منفی ناشی از عملکردهای سازمان‌های جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و همچنین قراردادهای بین‌المللی مانند گات جلب می‌کند. اجتماع این بار بر روی سه موضوع تمرکز یافته بود. تولیبرالیسم و جهانی‌شدن، جنگ و صلح و حقوق بشر

سومین فروم اجتماعی همچنین خواستار انحلال ناتو شد. آن‌ها می‌گویند که بر خلاف آنچه ناتو ادعا می‌کند، نقش این اتحاد نظامی دخالت و شعله‌ور ساختن جنگ‌های منطقه‌ای است. در این اجتماع بیش از ۵۰۰ هزار نفر از نقاط مختلف اروپا شرکت کردند.

دولت ایتالیا در دو هفته آخر قبل از برگزاری این اجتماع سعی کرد به بهانه حفظ نظام و جلوگیری از آشوب در شهر رنسانس مانع این اجتماع شود و تبلیغات گسترده‌ای را علیه برگزارکنندگان آن و خواست‌های آن‌ها انجام داد. این اجتماع بدون درگیری پایان یافت.

محیطی را پیرامون حزب زحمتکشان گردآورده بود و از سوی دیگر فرناندو هنریک کاردوزو، جامعه‌شناس مارکسیست سابق و تئوری‌پرداز امروز وابستگی‌که به لیبرالیسم نو و راه و روش‌های صندوق بین‌المللی پول تغییر عقیده داده، کاندیدای ائتلافی است‌که حزب سوسیال دمکرات برزیل و حزب جبهه لیبرال، حزب بانکداران و اعضای الیگارشی روستایی موجود جناح «میانه‌رو» دیکتاتوری نظامی سابق را گردمی‌آورد.

برنامه حکومت دمکراتیک توده‌ای حزب زحمتکشان مجموعه به هم پیوسته‌ای از اصلاحات ساختاری زیر را پیشنهاد می‌کند: اصلاحات ارضی، اصلاحات شهری، اصلاحات مالیاتی، گفتگوی دوبار، دوبار، وام خارجی (با تعلیق پرداخت این وام‌ها)، بازتوزیع درآمدها، سنگیری دوبار، تولید به سمت بازار واقعی. اما نباید به سانم‌هایی‌که حکومت زیر رهبری لولا با آن روبرو خواهد بود، کم‌بها داد. این سانم‌ها عبارتند از خرابکاری اقتصادی نخبگان، فرار سرمایه‌ها، اعمال سیاست محاصره بانک‌های بین‌المللی، مقاومت خشن مالکان بزرگ ارضی، مقاومت‌های لجوجانه برخی مقام‌های نظامی و غیره. باید اعتراف کردکه حزب زحمتکشان هنوز با داشتن یک استراتژی روشن برای مقابله با این کشمکش‌های متعدد و خطرناک بسی فاصله دارد.

بدون شک عامل قطعی همانا استعداد بسیج مستقل حزب در برانگیختن جنبش‌های اجتماعی و خودسازماندهی پایه توده‌های بی‌چیز است. با این همه، برخی مسایل درونی ساختاری این ظرفیت را محدود می‌کنند: آن‌ها عبارتند از ناهماهنگی چشمگیر میان شمار اعضا (در حال حاضر ۶۰۰هزار نفر) و شمار مبارزان فعال (۶۰ هزار نفر)، ناکافی بودن سازمان‌دهی رزمندگان در پایه، گرایش به مستقل شدن در بخش‌هایی از حزب‌که در نهادهای دولتی، مجلس‌های منتخب، شهرداری‌ها و... فعالیت دارند و غیره. درست است‌که با وجود این مسایل، حزب زحمتکشان موفق نشده، است، سرتا پای زندگی سیاسی‌کشور را تغییر دهند؛ اما برای نخستین بار در تاریخ برزیل نخبگان بورژوازی و اولیگارشی راکه از دیرباز قدرت کشور را در انحصار دانند، به طور جدی به مبارزه طلبیده است.

رشد چشمگیر حزب زحمتکشان توجه پرشور همگان در آمریکای لاتین و اروپا رابرانگیخته است. این حزب علاوه بر این‌که از یک سو به مشخصه‌های ویژه برزیل در شرایط تاریخی معین آن مربوط می‌گردد، از سوی دیگر، بیانگر کوشش تقریبا بی‌سابقه بسرای فرارفت از چارچوب سازماندهی توده‌ای پنابر مدل‌های مرسوم سیاسی در بسطن جنبش کارگری، رفرمیسم نئوکینزی، گروبندی‌های مسیحی در پارلمان، ساترالیسم بوروکراتیک، فرقوایی آئینی و «بدیل‌سازی» برای دستگاه اداری است. مسئله عبارت از به فرجام راساندن پس حساس هدف‌های دمکراتیک و مردمی در میان انبوهی از تضادها و خطرهای قابل ملاحظه عدید، است. این کوشش‌ها برای همه‌کسانی‌که در برزیل و جاهای دیگر مشتاق و آرزومند دمکراسی سوسیالیستی‌اند، بسیار با اهمیت و گرانبهاست.